

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام

(۱۳۷۰/۳/۲۶ هـ ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿ وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَيَّ مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ
فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۱﴾

حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین

خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گرد آمدن در خانه‌ی خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گلدسته‌ی تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بتهای جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت‌الله را که سده‌ی کعبه و خدمه‌ی مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آن مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه‌رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت؛ حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل‌السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه‌ی خود به آن دچار می‌شوند؛ مانند: بیگانه‌گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و

غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره‌ی آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان دوباره‌ی اسلام و مسلمین، و بسی بیماریهای مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط ناهلان و ازخدا بی‌خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرنهای اخیر، با حضور قدرتهای استعماری بیگانه در منطقه یادست‌نشانندگان فاسد و دنیاپرستان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته‌است.

حج؛ ذخیره‌یی تمام نشدنی

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره‌یی تمام نشدنی و چشمه‌یی همیشه‌جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالده قرار داد که در هر حال آن‌که بشناسد و قدر داند، توان استفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری‌های مهلک خواهد ساخت. و خدا را سپاس که بر ملت شایسته‌ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه‌ی مقصود را پس از سرزنش خارهای مخیلان بیابان طلب، به جام وصلی که شیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان باز داشته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکو وجهی پُر کرد؛ دل تفتیده‌ی مشتاقان مهجور و مصدود و محصور را با جرعه‌ی وصال آرامش بخشید و جان مبتهج از انوار معرفت و لبریز از شوق زیارت را لیک اجابت گفت؛ بندگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده‌ی نصرت مؤمنان را انجام کرد و خانه‌ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

پروردگارا! ...

پروردگارا! به این حاجیان مشتاق و سرازیرانشناخته و پس از انتظاری جانگزا به خلوت دوست‌بار یافته، و به همه‌ی برادران و خواهرانی که از اقطار عالم به بارگاه عام

رحمت و غفران شتافته‌اند، نظری به لطف و رأفت بیفکن و دلهاشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و هدایت و کمک خود را شامل حال آنان کن و آنان را به عزمی راسخ بر اصلاح حال امت مسلح ساز و بر دشمنانشان پیروز فرما؛ آمین ربّ العالمین.

پروردگارا! بر ارواح شهدایی که در چهار سال پیش از این، در حریم امن الهی، هدف خصومت و کین قرار گرفته و زن و مرد و پیر و جوان، مظلومانه در عتبه‌ی خانه‌ی دوست به خون غلتیدند و کسان و عزیزان چشم‌انتظار خود را با جنازه‌های خونین خود از انتظار به در آوردند، رحمت و فضل خود را نازل فرما و ثواب حج تمام را به آنان که در حسرت آن به ملکوت پرواز کردند، عطا کن.

پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیا، آن انسان پرهیزگار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می‌جست و دوستی و دشمنیش به خاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت‌تگران و کوشش‌تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته‌اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام حج ابراهیمی و بهره‌برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه‌ی عمل ببوشان.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه‌ی اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده‌ات، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل فرما، که راه راست را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، بویژه حضرت بقیة الله الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین؛ (عجل الله فرجه و ارواحنا فداه).

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از «من» قومی و نژادی و فرقه‌یی، به «ما»ی اسلامی و قرآنی پیوسته‌اید، مناسب است مسایلی را در مدنظر داشته، درباره‌ی آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته‌ی تأمل و فکر و عمل سازید:

قدرشناسی حج بیت الله

۱) اولین مطلب، قدرشناسی واجب بزرگ و بُر رمز و راز حج بیت الله است. حج مظهر توحید، و کعبه خانه‌ی توحید است. این که در آیات کریمه‌ی مربوط به حج، بارها از ذکر الله سخن رفته، نشانه‌ی آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیر خدا از صحنهی ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر الله حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «الله» و طرد و نفی و برائت از «انداد الله» است. این است آن «ملت حنیف» ابراهیم علیه السلام؛ بت شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله‌ی تاریخ.

شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه‌ی خدا و حج باید در همه‌ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه‌ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه‌ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فراگرفته است.

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند، بت قدرت امریکا است که همه‌ی شوئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود - که نقطه‌ی مقابل مصالح مسلمین است - حرکت می دهد. عبادت، همین اطاعت بی چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملتها تحمیل می شود و آنان با شیوه‌های گوناگون، به سمت آن سوق داده می شوند.

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله‌ی دستهای استعماری در میان ملتها ترویج می شود، فرهنگ مصرف زدگی که روزه‌روز زندگی ملتهای ما را بیشتر در لجنزار خود

فرو می‌برد، تا کمپانیهای غربی - که مغز و قلب اردوگاه استکبارند - بیشتر سود ببرند، سلطه‌ی سیاسی غرب استکباری که پایه‌های آن به وسیله‌ی حکومت‌های دست‌نشانده و ضد‌مردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه‌ی بی‌شکل آشکارتری به خود می‌گیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت‌پرستی است که در ضدیت کامل بانظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است. حج و اجتماع عظیم برگرد خانه‌ی توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرّم ﷺ، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موكول ساخته است؛ «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۱.

فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک‌آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیر خدا کرده‌اند، و توحید آنان فقط لقلقه‌ی زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده است.

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این‌که خداوند متعال همه‌ی مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ی بی‌خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و

سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه‌ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر - که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست - در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله‌ی مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز - یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی - این فاصله‌ی وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به‌جای آن‌که رقیب و معارض هویت واحده‌ی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعوی وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آن‌که هر قومیتی، وسیله و بهانه‌ی نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملائمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه‌ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته‌ی خدای بزرگ را که: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۱ فراهم آورد.

تشکیل امت واحده‌ی که ناصیه‌ی عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه‌ی آن، نیل به همه‌ی کمالات

فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند.

حج ابراهیمی و محمدی (صلی‌الله‌علیهما‌والهما)، بی‌گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه‌ی عظیم، در همان حال که ذکر خدا: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا»^۱ و اعلام براءت از مشرکان: «وَأَذَانُ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۲ رکن حج محسوب می‌شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران - یعنی اجزای این امت واحده - جدایی و دشمنی بیافریند، نیز در حد اعلاست؛ تا آن‌جا که حتی بگو مگوی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی‌نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ «فَلَا رِقَّتَ وَلَا لُفْسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^۳. آری، همان صحنه که در آن براءت از مشرکان - یعنی دشمنان بنیانی امت واحده‌ی توحیدی - لازم می‌شود، جدال با برادران مسلمان - یعنی اجزای بنیانی امت واحده‌ی توحیدی - ممنوع و حرام می‌گردد، و بدین‌گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می‌یابد.

تدبیر در رمز و رازهای حج

رازها و رمزهای حج، بسی بیش از آن است که در این جا بدان اشاره شد، و تدبیر در این رازها - که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه‌ی مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است - اوقتی جدید در برابر حاجی می‌گشاید و او را به عالمی پُر تلاش و پُر حرکت و تمام‌نشدنی می‌کشد. اولین وظیفه‌ی هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته‌ی کار از این همه است، و نیز تأمل در این‌که چرا دستها و دستگاههایی سعی می‌کنند حج را برون از همه‌ی مفاهیم سیاسی و جمعیش و

۱. بقره: ۲۰۰

۲. توبه: ۳

۳. بقره: ۱۹۷

تنها به عنوان عبادتی یک‌بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی‌نمایان دین به دنیا فروش که نام و شأن دینی آنان حکم می‌کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت در آورند، بعکس، با هرگونه روشنگری در این باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟ چرا بارها و بارها در بلندگوهای اعلام می‌شود که سیاست در حج نباید دخالت کند؟ مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله‌ی دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته‌بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض‌ورزی و حسابگری‌های خبثت‌آلود جمعی دیگر قرارگیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می‌افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه‌گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل علیه السلام بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده‌اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه‌ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین‌به‌دنیا فروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود

۲) دومین مسأله‌ی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مسأله‌ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته‌ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و آفریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملت‌های مسلمان - که هدف استعمارگران، مستقیم و غیرمستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این طرف بوده - به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته‌ی پُرشکوه کاملاً منقطع شوند و بدین‌گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده‌ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حیل، در زمینه‌ی کاملاً

مساعدی که تسلط حکومت‌های فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه‌ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می‌شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دو‌یست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره‌ی گسترده و بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروتهای زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه‌ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی - که از جمله‌ی آن، رشد علمی و فرهنگی است - باز داشتند.

یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده‌ی ضعف روحی و مادی آن و مذاقه در نظامهای سیاسی و وضع دولتهای اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می‌سازد که از مهمترین علت‌های این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملتها از گذشته‌های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرن‌ها می‌تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد. آن مجد و شکوه تاریخی، در آغاز با قیام‌الله و جهاد مخلصانه برای خدا و عمل به احکام آزادیبخش و زندگی‌ساز اسلام و به برکت حرکت مسلمین در صدر اسلام و در غربت روزهای مکه و جهاد دوران مدینه، پایه‌گذاری شد. مولود مبارکی که «جامعه‌ی اسلامی» نامیده می‌شود، به برکت جهاد و مبارزه‌ی حجاز توانست به جوانی نیرومند و هوشمند بدل شود و سپس در طول قرن‌ها توانست مشعل علم و معرفت و درفش قدرت و سیاست را بر سر جهانیان بگستراند. آن عظمت، از عظمت مبارزه‌ی مکه و مدینه سرچشمه گرفت.

مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی

اکنون این‌جا - مکه و مدینه - پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی است بر جماعتی مؤمن و مقاوم، که به برکت ایمان و عمل به آیات الهی، توانستند از خاک

مذلتی که بر آن آramیده بودند، برخاسته و قد علم کرده و آزادی شایسته‌ی انسان را برای خود تدارک دیده و پرچم آزادی بشریت و نجات انسان از سلطه‌ی امپراتوری‌های زر و زور آن دوران را برافرازند و با نور معرفتی که از قرآن سرچشمه می‌گرفت، پایگاه عظیم دانش بشری را پدید آورند و خود قرن‌ها بر منبر بلند علم و معرفت بشری قرارگیرند و سخاوتمندانه به همه‌ی بشریت بیاموزند و گرانباترین آثار علمی را طی قرن‌های متمادی پدید آورند و سرنوشت جهان بشریت را با علم و سیاست و فرهنگ خود رقم بزنند. اینها همه از برکات تعالیم خالص اسلام و حکومت الهی در عهد پیامبر ﷺ و برهه‌یی از صدر اسلام بود که علی‌رغم تسلط و رشد شجره‌ی خبیثه‌ی حکومت‌های سلطنتی و رجعت از دوران توحیدی، باز تا قرن‌ها ثمرات خود را به مسلمین می‌چشاند و آنان و همه‌ی بشریت را کامیاب می‌کرد. هر وجب از این خاک و این سرزمین، یادآور خاطره‌یی از دوران پیامبر خدا ﷺ و یاران فداکار و نورانی اوست. در این سرزمین بود که اسلام طلوع کرد و پرچم جهاد برافراشته شد و آزادی بشریت از همه‌ی غل و زنجیرهای جاهلیت رقم خورد. امروز که ملت‌های مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه‌ی جهان اسلام، به بیداری و قیام‌الله‌گرایی‌ده‌اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته‌ی نورانی و معجز نشان، با دوران قیام‌الله و مبارزه‌ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند. خاطرات اسلامی در این سرزمین، برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفابخشی است که او را از ضعف و زبونی و یأس و بدبینی نجات می‌دهد و راه دستیابی به هدف‌های اسلام را - که همیشه برای هر انسان برخوردار از عمق و حکمت، هدف زندگی و تلاش است - نشان می‌دهد.

تدبر در گذشته و پیوند با آینده

در این جا بود که پیامبر عظیم‌الشأن با یاران مخلص خود، سیزده سال همه‌ی سختی‌ها را به جان خریدند و مرارت‌ها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دواند. و در این جا بود

که پس از سالهای مصیبت‌بار زندگی در شعب ابی‌طالب، پس از شکنجه‌ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیه و عبدالله بن مسعود و دیگران، پس از راهپیمایی طولانی و پُرمشقت و بی‌حاصل رسول خدا ﷺ در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پُربرکت به مدینه‌الرسول ﷺ پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد. در این جا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. این جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال دوستی و غنیمت‌طلبی ناکامی آورد. این جا آیه‌آیه‌ی قرآن نازل شد و خشت‌خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبه‌ی اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمان با تدبیر در این گذشته و زیستن در لحظه‌لحظه‌ی آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می‌یابد، راه زندگی و هدف آن را می‌شناسد، به خطرات راه پی می‌برد، فردای این حرکت را بالمعاینه می‌بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می‌سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می‌آید؛ و این همه، از برکات حج است.

از آنچه گفتیم، می‌شود فهمید که چرا استعمارگران دیروز و سردمداران سلطه‌ی استکبار جهانی امروز، این همه از پیوند فکری و عاطفی مسلمین با گذشته‌ی خود می‌مانند و با آن در ستیزند. آری، این پیوند با گذشته است که حال و آینده را رقم می‌زند.

ناخشنودی استکبار از بازگشت ملت‌ها به گذشته‌ی افتخارآمیز خود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام این که ملت ایران در صدد است جامعه‌ی بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه‌پرست و روبه‌گذشته و عناوینی از این قبیل، بشدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از این که ایران اسلامی می‌خواهد پایبند به سنتهای گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظامهای مرتجع و مستبد و پایبند سنتهای پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچگاه به آن نامها مورد

تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت‌انگیز آن‌که رادیوهای رژیم‌هایی که در آن از ابتدایی‌ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه‌ی غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می‌شود و مردم در حساس‌ترین مسایل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره‌آمیز خود به خنده انداختند!

آری، استکبار و دارودسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از این‌که کشوری در اعماق کهنه‌پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود، سرکند، ولی درهای خزاین مادی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون‌خواهی و سلطه‌طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملتها به گذشته‌یی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ را به آنان پیام‌وزد، کریمه‌ی «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲ را بر آنان فرو خواند، خطاب «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»^۳ را به گوش و دل آنان برساند، فرمان «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۴ را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه‌طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌یی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند.

۱. نساء: ۱۴۱

۲. منافقون: ۸

۳. نساء: ۷۵

۴. یوسف: ۴۰

از احکام نورانی اسلام دست بردارید

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام‌الله بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت‌گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه‌ی دینی و نظام توحیدی، تبری نجویند و به سخن خداگوش فرا دهند که: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۱ و «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْتَهُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَ أَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ»^۲ و «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ»^۳ و «وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^۴.

در حج، در مدینه و مکه، در أحد و منی و حرا، در این سرزمین که قدم مبارک رسول اکرم ﷺ و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنجها و دربه‌دریها و مبارزات و خون دلها بوده و در قدم‌به‌قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته‌ها به تدبیر پردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه‌ی آن، نتیجه و سرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوه‌ی خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ «وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ»^۵.

توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام

(۳) موضوع مهم دیگری که حجاج بیت‌الله به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن

۱. بقره: ۱۲۰

۲. مائده: ۵۹

۳. هود: ۱۲

۴. بروج: ۸

۵. محمد: ۳۵

بپردازند، مسایل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر حج کنگره‌ی عظیم سالیانه‌ی مسلمانان سراسر جهان است، بی‌گمان فوری‌ترین دستور این کنگره، مسایل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسایل، در تبلیغات استکباری به گونه‌ی مطرح می‌شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود، و نه اگر در آن حادثه سوء نیت و سوء عمل استکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشا گردد، و یا به طور کلی مطرح نمی‌شود. حج جایی است که باید این خیانت تبلیغاتی افشا، و حقیقت آشکار شود و زمینه‌ی آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید.

اینک فهرستی از حوادث مهم جهان اسلام را به عرض برادران و خواهران مسلمان می‌رسانم:

فلسطین؛ مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام

الف: مهمترین مسأله‌ی امروز، مسأله‌ی فلسطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام و شاید مهمترین مسأله‌ی بشریت بوده است. این جا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غصب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده‌ی سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه‌ی التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ این جا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی‌درپی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده‌های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. ... و این است خبر تازه‌ی امروز.

اکنون اوضاع آشفته‌ی جهان اسلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی‌مهار امریکا، زمینه‌ی مساعدی برای تهاجم کینه‌ورزانه‌ی دولت غاصب فراهم ساخته، که با پشتگرمی به حمایت شیطان بزرگ - که حقاً خطرناکترین دشمن اسلام و مسلمین است - آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان

ساختن آن نمی‌کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشی از بهای کمک‌های غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقال فلاشه‌های اتیوپی که قرار است خدمت به صهیونیست‌های امریکایی و اروپایی غاصب فلسطین را بکنند و اخیراً یهودیان هند؛ شهرک‌سازی در بخش‌های غصب‌شده‌ی اخیر فلسطین و حتی احتمالاً در بخش اشغال‌شده‌ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاح‌های کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاح‌هایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملات هوایی روزمره و متناوب به جنوب لبنان و بمباران غیرنظامیان فلسطینی و لبنانی؛ سختگیری روزافزون نسبت به شهروندان عرب فلسطینی - یعنی صاحبان آن سرزمین - و انجام جنایت‌بارترین و وحشیانه‌ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه‌ی سیاسی، در برابر عقب‌نشینی روزبه‌روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان‌دادن زبوانه‌ی برخی از سیاستمداران عرب، چهره‌ی مهاجم به خود گرفتن و حتی فکر تشکیل کنفرانس بین‌المللی و یا منطقه‌یی، هر یک را به نوعی رد کردن، و بالاخره پیشنهاد تشکیل دولت فلسطین در گوشه‌یی از سرزمین فلسطین را که محصول عقب‌نشینی و ذلت‌پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت رد کردن. اینها مجموعه‌یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی‌ستیزان صهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم‌ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته‌یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.

شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسلامی منطقه پدید آورده و ذخیره کرده‌اند و برآنند که این خنجر مسموم را همواره در پهلوی جهان اسلام نگاهدارند؛ و امروز شیطان بزرگ، سررشته‌ی این سگ دست‌آموز را در دست دارد. پس، تعجبی نیست که نقض مکرر قوانین بین‌المللی، نقض مداوم حقوق بشر - آن هم به فجیعترین

شکل - تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم‌ربایی به گونه‌ی آشکار، تهیه‌ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها - که هر یک در هر یک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه‌ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه‌ی عظیم تلقی می‌شود - از صهیونیست‌ها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه‌ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ بر نیانگیزد.

دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام

بدین ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده‌ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، در صدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌ی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ - که چیزی جز محور رژیم صهیونیست نژادپرست نیست - نشان نمی‌دهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می‌خورد؛ و من نمی‌دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم ننگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملت‌های خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟ علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می‌توانند با کمک‌های حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده‌تر سازند، و نیز می‌توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه‌ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست‌های قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده، گواه صادقی است بر این که ملت‌ها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند.

انقلاب اسلامی؛ طلیعه‌ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان

ب: مسأله‌ی دیگر، حرکت‌های اسلامی در برخی از کشورهای عربی و افریقایی است. این یکی از مزده‌بخش‌ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوانهایش، با

روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلوعیه‌ی پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.

برادران و خواهران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که بخش عمده‌ی فشار مشترک شرق و غرب بر ایران اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه قبل و بعد از آن، بدین خیال باطل بود که با شکست جمهوری اسلامی در ایران، تجربه‌ی حرکت اسلامی در چشم مسلمانان سایر کشورها نا کام جلوه کند و برق امیدی که از پیروزی انقلاب در ایران، دل‌های آنان را روشن ساخته بود، نیروی آنان را در این راه مبارک به کار نیفکند. امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که می‌خواهد انقلاب اسلامی را در ایران، را کد و متوقف و رسیده به بن‌بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم‌الشان آن علیه السلام و آشتی جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل علیه السلام بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی - که جدی‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی است - وارد می‌کردند.

یادآوری چند نکته به ملت‌های اسلامی و رهبران آنها

خدا را شکر که هیچیک از تلاش‌های استکباری - چه عملی و چه تبلیغاتی - کارگر نیفتاد و شعله‌ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره‌ی مصمم و تسلیم‌ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جان‌های مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکت‌های عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می‌شود. لیکن این جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه‌ی خود می‌دانم به این ملت‌ها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم:

اولاً، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه‌ی بی‌صبری یا بی‌بصیرتی حرکت را تهدید می‌کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.

ثانیاً، حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیر کشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم‌پذیری توده‌ها و دیگر بدبختیهای ملتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه‌ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف‌بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه‌ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر. لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه‌ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.

ثالثاً، دشمن می‌کوشد با جوسازی و حیل‌های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی بر حذر دارد، و شاید برخی از ساده‌دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن امریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه‌ی این جانب، اجتناب جدی از این مصلحت‌اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی‌هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه‌ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبار آلود نسازید.

رابعاً، اسلام و حرکتهای اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی - یعنی آن‌جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدفهای امریکا و دیگر مستکبرین است - از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار بر حذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت‌گیریشان متهم کنید و هرگز در صدد جلب کمک آنان نباشید.

خامساً، از تجارب حرکتهای دیگر اسلامی در سایر کشورها و وضع کنونی آنان بی‌خبر ننمایید و علی‌رغم میل استکبار، با آنان ارتباط بیابید.

و بالاخره سادساً، آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا﴾^۱ را که توصیه‌ی تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه‌ی آن را نصب‌العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

توجه به وضعیت مصیبت‌بار ملت عراق

ج: یکی دیگر از مسایل کنونی جهان اسلام، مسأله‌ی عراق و وضع مصیبت‌بار و گریه‌آور ملتی است که بر اثر سوء نیت و سوء تدبیر زمامدارانش، علاوه بر اختناق و حکومت پلیسی شدید، و پس از این که از ده سال پیش به این طرف، به جنگ غیرعادلانه با همسایگان خود مجبور گشته و به خاطر تدابیر ابلهانه و جاه‌طلبانه‌ی سرانش، هزاران هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانش، در بمبارانها و تخریبها به قتل رسیده، یا داغ‌دیده و یا مجروح و معلول و بی‌خانمان شده و بخش عظیمی از ثروت ملی و تاریخی‌اش نابود شده، اکنون از سوی همان زمامدارانی که مسبب همه‌ی این مصایب بوده‌اند، به صورت مستقیم تهدید می‌شود و با بمبارانها و سلاحهای دسته‌جمعی و شیمیایی، قتل‌عام و آواره و نومید از زندگی می‌گردد.

هنگامی که ارتش عراق برای ارضای جاه‌طلبی و افزونخواهی سران رژیم آن کشور، به کشور کویت حمله و آن را تصرف کرد و بهانه‌ی نقد به دست امریکا برای حضور بی‌سابقه‌ی نظامی و بالطبع نفوذ شوم سیاسی و اقتصادی در منطقه‌ی خلیج فارس داد و منطقه‌ی خلیج فارس از هر دو طرف - رژیم عراق و متحدین غربی - به آتش کشیده شد، کسانی از مسلمین غالباً از روی ساده‌اندیشی خیرخواهانه، و شاید معدودی از سر‌بدخواهی و حسابگرانه، به جمهوری اسلامی مصرانه پیشنهاد می‌کردند که به کمک رژیم بعثی عراق شتافته، به سهم خود ابعاد جنگ را گسترده‌تر سازد. این نظر، البته برخلاف اصول مسلم اسلام بود که جهاد را فقط در راه گسترش دین خدا، یا دفاع از

ملتهای مستضعف و یا دفاع از دولت اسلامی واجب می‌شمرد؛ و نه در دفاع از رژیم می‌مهاجم و اشغالگر و قدرت‌طلب، آن هم با ایدئولوژی حزب بعث که رسماً و علناً منکر و معرض دین و معنویت است، آن هم با سوابق ظلم و فساد و اختناق و نسل‌کشی که رژیم عراق در آن دارای وضعی استثنایی است، و بالخصوص رژیمی که سابقه‌ی تسلیم و فرمانپذیریش در برابر قدرتهای سلطه‌گر را ایرانیان در طول هشت سال جنگی که به خواست استکبار و با سلاح و کمک همه‌جانبه‌ی آنان بر نظام اسلامی تحمیل کرد، بخوبی دریافته‌اند.

آری، اسلام دفاع از چنین رژیمی را جهاد نمی‌شمرد و آن را جایز نمی‌داند؛ لیکن این پیشنهادکنندگان بعضاً تحت تأثیر اظهارات ریاکارانه و فرصت‌طلبانه‌ی مسؤولان ویرانی عراق، که در برهه‌ی کوتاه برای جلب نظر ساده‌لوحان، بدروغ دم از اسلام و مقدسات دینی می‌زدند و بعضاً با اعتراف به خبثت و فساد و ظلم سران آن رژیم، دفاع از ملت عراق را انگیزه‌ی خود از این پیشنهاد می‌دانستند، ما به آنان یادآوری می‌کردیم که کمک به مردم مظلوم عراق واجب است، اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه‌ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست؛ بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.

اکنون با تسلیم و فرار مفتضحانه‌ی رژیم و ارتش عراق در برابر امریکا و متحدین غربی و قبول همه‌ی شرایط مستکبران، آن رژیم توانسته خود را برای مدت نامعلوم دیگری بر سریر حکومتی بی‌افتخار و قدرتی ذلت‌آمیز تأمین کند؛ و در این حال، باز مردم عراق - این ملت مظلوم که سالهاست گروگان رژیمی خشن و ظالم و فاسد و شکنجه‌گرند - باید علاوه بر تاوان جنگی که فقط به هدف افزونخواهی سران رژیم بر آنان تحمیل شده، غرامت شکست و ذلت و عقده‌های حقارت آن رژیم را نیز بپردازند.

همان رژیم و ارتشی که بیش از صد ساعت نتوانستند با دشمنان خارجی که به داخل خانه‌ی آنان آمده بودند، بجنگند و از مرگ نترسند، اکنون بیش از صد روز

است که به جان ملت عراق افتاده، خانه‌ها را ویران، شهرها را بمباران، عتبات عالیات را هتک، مردم را از وطن آواره، علما و بزرگان را دستگیر و بسیاری را شکنجه و ملت را قتل عام می‌کنند. در شمال، کردها و در جنوب، اعراب را طوری کشتند و زدند و دربه‌در کردند و به عزای عزیزان نشانندند که واقعاً در مورد هیچیک از جنایتکاران شناخته‌شده در روزگاران اخیر ما نشنیده و گمان نبرده‌ایم. با مردم عراق رفتاری کردند که انسانهای باوجدان با حیوانات نمی‌کنند.

کردهای شمال عراق بر اثر اخم و تهدید امریکا و دولتهای غربی، فعلاً وضع بهتری دارند، تا بعدها چه پیش آید؛ اما شیعیان جنوب که به دلایل متعدد، مورد بغض و کینه‌ی امریکا و متحدینش می‌باشند - و دلیل عمده آن است که داعیه‌ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در آنان هست - همچنان در تهدید دایم و مورد بلا و مصیبت دایم از سوی رژیم ضد دینی و طغیانگر و نسل‌کش عراقند. این، تصویر ساده‌ی از وضع عراق است که گفته شد؛ ملتی ستم‌دیده و مظلوم و بی‌پناه با دست خالی در برابر حکومتی بس خشن و بی‌اعتنا به همه‌ی معیارهای اسلامی و انسانی و بین‌المللی و بی‌باک در ریختن خون مردم و ظلم به مردم. ... و صدای یال‌المسلمین آن مردم بلند است. و در همین چند روز، علایم آشکار محاصره و حمله‌ی خونین به صدها هزار نفر فراریانی مشاهده شد که از بیم ارتش، به مرداب‌های میان بصره و عماره و ناصریه پناهنده شده‌اند و زن و مرد و کودک بیمار و - بنا بر خبر - بعضاً و با زده و دچار بیماریهای واگیر می‌باشند. غرب و بخصوص امریکا، جز نقل بعضی خبرها، آن هم کوتاه و بی‌کشش، هیچ کمکی نکرده‌اند و آنان تنها امیدشان به خداست و به توده‌های مسلمان، که البته می‌توانند حداقل به شکل اعتراض به این اعمال، آنان را یاری دهند.

توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر

د: مسأله‌ی بعدی، وضع مسلمانان کشمیر است. دولت هند، با استفاده از اشتغال دنیای اسلام به مسایل حاد ماههای اخیر، که موجب غفلت عمومی از وضع آن برادران جداافتاده و مظلوم شده، حداکثر فشاری را که توانسته، بر آن مردم وارد آورده و جان و

مال و حتی - بنا بر نقل - ناموس آنان را مورد تعرض و تاراج قرار داده است. این جانب اکنون در صدد آن نیستم که در ماهیت مسأله‌ی کشمیر قضاوتی بکنم - و مطلعین می‌دانند که این، یکی از زخمهای کهنه‌یی است که انگلیسی‌های استعمارگر در هنگام خروج اجباری خود از هند، بر پیکر شبه‌قاره وارد کرده و به وسیله‌ی آن از مسلمانان هند بزرگ انتقام گرفتند - سخن ما آن است که دولت هند در برخورد با این مسأله، از ابزارهای خشن و نامناسب استفاده کرده و با اطمینان به این که دولتهای بزرگ و سازمان‌های مدعی حقوق بشر هیچ دفاع واقعی از مسلمانان نخواهند کرد، به روشهای غیر انسانی متوسل شده است. ملت‌های مسلمان باید بدانند که مسلمان کشمیری از آنان متوقع آن است که از او دفاع کنند، و این وظیفه‌ی اسلامی و برادرانه‌ی مسلمین است، و دولت هند اگر تصور کند که می‌توان آن جمع کثیر از مسلمانان را بدون هیچ عکس‌العمل از سوی مسلمین جهان، برای همیشه تحت فشار نگهداشت، بی‌شک در اشتباه است.

در همین جا لازم است درباره‌ی اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپایی اشاره شود که فشار وارد بر مسلمانانی که مایلند هویت اسلامی خود را حفظ کنند، افشاگر ماهیت دموکراسی و آزادی‌یی است که غرب پیوسته از آن دم می‌زند! حساسیتهایی که بعضی دولتهای اروپایی در برابر ساختن مسجد، یا تشکیل اجتماعات اسلامی، یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می‌دهند یا در مردم برمی‌انگیزند، باید مسلمانان را به مواضع واقعی آن دولتها نسبت به اسلام آشنا سازد. اینها از جمله‌ی مسایل مهمی است که مسلمانان جهان باید درباره‌ی آن بیندیشند و از آن برای معرفت به وظیفه‌ی خود در این روزگار بهره گیرند.

دامن زدن به اختلافات فرقه‌یی؛ ترفند استکبار

۵: یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله‌ی اختلافات فرقه‌یی میان مسلمین است. این البته مسأله‌ی تازه‌یی نیست و اختلافات و نزاع و بعضاً زدوخورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه‌یی، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است؛ لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر

آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌بی آن - و نه اسلامی به معنای عام - معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نفاق میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه‌ی مردم از همه‌ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده می‌شود که به تشیع و ناسزابه شیعیان یا به ملت ایران - که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه‌ی بی‌بهره انگیز از آن دفاع کرده‌اند - زبان می‌گشاید و قلم می‌راند. یا در کشور مسلمان پاکستان - که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست - کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می‌کنند و کتاب و مقاله می‌نویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر ﷺ را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.

ما همه‌ی اینها را به حساب امریکا و دستیاران و مزدورانش می‌گذاریم و دامن ملتها و علمای راستین اسلام را از آن پاک می‌دانیم؛ لیکن این از جمله مسایلی است که باید با هوشیاری مسلمین حل شود و مجال تاخت و تاز به دشمنان اسلام داده نشود.

سلطه‌ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی

و: آخرین سخن، مسأله‌ی بسیار مهم سلطه‌ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش‌ازپیش سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی آن در این

کشورهاست. این ابر قدرت ظالم و سلطه طلب، پس از تحولات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظامهای الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با امریکا فرو افتاد، در صدد است که سراسر جهان و بخصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه‌ی نفوذ بی رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از - به اصطلاح - جنگ سرد، به جنگ همه جانبه‌ی با بیداری اسلامی - که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است - کمر بسته است.

این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهان‌خواری، می‌کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه‌ی مراکز حساس و ثروت خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه‌تر از پیش ادامه دهد. اگر این رؤیای شوم به تحقق بپیوندد، روزگار سیاهی بر ملت‌های این منطقه خواهد گذشت که در گذشته نظیر نداشته است.

رژیم امریکا، اینک از هر وسیله‌ی برای رسیدن به آن هدف شیطانی استفاده می‌کند و متأسفانه جهالت و غرور و قدرت طلبی حکام عراق - که زمینه‌ی آن را هم کمک‌های قبلی امریکا و غرب به عراق فراهم کرده بود - اوضاعی را در این منطقه به وجود آورد که عواقب تلخ و دردناک آن را همه کم و بیش می‌دانند؛ و از جمله تبعات آن، یکی این است که امریکا به تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در بخش مهمی از این منطقه مبدل شده و دولت‌های منطقه را مرعوب خود ساخته است؛ و این تهدیدی بزرگ برای موجودیت اسلامی، بلکه کیان انسانی در این منطقه و در هر منطقه از جهان که چنین اتفاقی بیفتد، به شمار می‌آید.

امروز به جز اسلام و انسان‌های مؤمن و مصمم، هیچ نقطه‌ی امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست. و خدا را سپاس که امروز خورشید منور اسلام حیاتبخش، دوباره بر دل و جان انسانها تابیدن گرفته و بسیاری ملت‌های مسلمان در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا مبارزه را آغاز کرده‌اند. این، حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه‌ی شیطانی

امریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد؛ ﴿كَتَبَ اللَّهُ
لَاغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي﴾^۱.

ملتها و دولتها در قبال روحیه‌ی گرایش به اسلام ناب محمدی ﷺ - اسلامی که سرلوحه‌اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه‌ی شیاطین از زندگی ملت‌هاست - به یک اندازه مسؤولند. دولتهای اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه‌مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملتها و کشورها و قدرت دولتها را تأمین می‌کند.

از خداوند متعال، بیداری همه‌ی مسلمانان عالم و شرف و عزت و رهایی آنان از چنگال استکبار و پیروزی آنان در مصاف دشمنان خدا را مسألت می‌کنم.

پروردگارا! پرتو قرآن و اسلام را بر دل‌های مسلمین مستدام بدار و رحمت و فضل خود را بر آنان نازل کن؛ آنها را تأیید بفرما و دل‌هاشان را با امید و ایمان مستحکم بدار؛ قلب ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) را از ما شاد و دعایش را در حق ما مستجاب کن؛ حج حاجیان و تلاش تلاشگران راه خودت را به نیکی مقبول فرما؛ دل‌های مسلمین را روزبه‌روز به هم نزدیکتر و عوامل تفرقه را نابود فرما؛ ارواح مطهر شهدای راه حق و جسم و جان آسیب‌دیدگان این راه را مشمول رحمت بفرما. پروردگارا! از هر حرکتی که در سراسر جهان برای حاکمیت دین تو انجام می‌شود، حضرت امام خمینی - آن بنده‌ی صالح و برگزیده‌ات - را جزای خیر عنایت کن.

آمین ربّ العالمین.
والسّلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله

علی الحسینی الخامنه‌ئی

سوم ذی‌الحجّة الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری

مصادف با بیست‌وششم خرداد سال ۱۳۷۰ هجری شمسی